

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۱۲ دسمبر ۲۰۱۶

## اطاعت از خلیفه و امیر

خداوند متعال در قرآن عظیم الشان (آیت ۳۰ سوره البقره) می فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (و یاد کن که چون پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت ...) در ترجمه و تفسیر این آیت مبارکه مفسرین نظریات مختلفی را ارائه داشته اند از جمله : تفسیر نور خرمدل:

تفسیر نور «خَلِيفَةً»: را جانشین معنا کرده. ولی هستند عده از مفسرین که کلمه «خلیفه» را جانشین الله در روی زمین ترجمه و تفسیر می کنند، که این ترجمه و یا این تفسیر و تعبیر چندان چنگی به دل نمی زند. برخی از مفسران خلیفه فی الارض را جانشین يك دیگر مردمان گرفته اند که این تعبیر و تفسیر بالمفهوم سخنی اصح، وارد، مقبول و پسندیده است (والله اعلم بالصواب).

و اما تفسیر جلالین در مورد کلمه «خلفیه» می نویسند: من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت که در اجرای احکام جانشین من باشد در زمین و او آدم است.

در تفسیر صفوةالتفاسیر در مورد کلمه «خلیفه» می نویسند: همانا من در زمین جانشینی را خلق کرده و آن را نماینده خود قرار می دهم که در انجام دادن احکام در زمین جانشینم باشد. این جانشین عبارت است از آدم. یا جمعی که در قرون بعد و در میان نسلهای آینده جانشین یک دیگر باشند.

در تفسیر معارف در مورد کلمه «خلافات» می نویسند: یعنی او جانشین من می شود و وظیفه اجرای احکام شرعی خویش را به او می سپارم.

امام قرطبی رحمة الله با یک تعداد دیگری از مفسران در مورد این آیت می گویند: «معنی خلافت مذکور در این آیت، یعنی جانشینی الله تعالی در زمین با تنفیذ و اجرای احکام و قوانین وی و آبادانی زمین و سیاست مردم (با اجرای احکامش) حاصل می شود.»

تعدادی دیگری از مفسران گفته اند:

- معنی خلیفه یعنی جانشینان جنیانی که قبلاً در زمین بودند.

- معنی خلیفه یعنی بعضی از انسانها جانشین انسانهای نسل ماقبل خود می شوند.

- جانشین ملائک می شوند.

امام ابن‌کثیر در تفسیر خویش «تفسیر القرآن العظیم» می‌نویسد: «یعنی قومی را در زمین مقیم خواهم ساخت که برخی از پی برخی دیگر، قریه پس از قریه و نسلی بعد از نسلی، در آن جایگزین می‌شوند».

امام قرطبی و غیره، با این آیت بر وجوب نصب خلیفه و امام (رئیس دولت) در جامعه اسلامی استدلال کرده‌اند تا آن امام، اختلافات میان مردم را حل و فصل نموده، داد مظلومانشان را از ظالمانشان بستاند، حدود را برپا دارد و سایر شؤون مهمی را که جز با نصب حاکم، عملی نمی‌شود، به سامان آورد زیرا آنچه که واجب جز با آن تمام نشود؛ خود نیز واجب است.

ابن کثیر می‌گوید: «واجب است که امام: مرد، آزاد، بالغ، عاقل، مسلمان، عادل، مجتهد، بینا به امور، سالم الأعضاء، آگاه به آراء و اندیشه‌ها و امور جنگی و قریشی نسب باشد، اما هاشمی بودن و معصوم بودن وی شرط نیست». در این رابطه لازم به تذکر می‌دانم که به فهم من تذکر و اشاره کلمه قریشی و خانواده هاشمیان در اینجا مورد نصب و خانواده پیامبر اسلام نیز اشاره است که باز می‌گردد تا جانشین حضرت پیامبر اسلام محمد مصطفی از هر مسلمان شایسته از خانواده و یا خارج از خانواده پیامبر اسلام باشد و باز خانواده چه چیز را احتوا می‌کند؟ (مانند ابوبکر صدیق) و یا از خانواده پیامبر شخص شایسته باشد (حضرت علی کرم الله وجهه)، مسأله ای که از همان آغاز تا امروز در ملت اسلام موجب فتنه های زیاد شده و این فتنه ها ادامه دارند .

بنابراین معنای خلیفه این است که خداوند متعال انسان را خلیفه یکدیگر برای اجرای حکم شرعی قرار داده است، زیرا خداوند همه انسانها را در زمین جایگزین می‌کند تا آنها را در یک مدت بس کوتاه ابتلاء و امتحان که ضرورت بشر است نه الله تعالی، بیازماید که در این دنیای انتخاب و عالم اسباب چگونه عمل خواهند کرد، همانطوری که در حدیث صحیح آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: « إِنَّ الدُّنْيَا خُلُوةٌ خَضِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَأَتَقُوا الدُّنْيَا وَأَتَقُوا النَّسَاءَ، فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَيْنَ إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النَّسَاءِ » (روایت مسلم) - همانا دنیا شیرین و سبز است (زرق و برق دارد)، و خداوند شما را در آن خلیفه ساخته است تا ببیند که چگونه عمل می‌کنید، پس بترسید از دنیا و از زنها، چرا که اولین ابتلای بنی اسرائیل در باره زنها بود».

اما برخی از مفسرین که استدلال می‌نمایند که : انسان « خلیفه الله » در زمین است ترجمه و تفسیر صحیح و دقیق را از این کلمه نیاورده اند زیرا :

۱- در هیچ روایتی نه صحیح و نه ضعیف وارد نشده است که انسان خلیفه خداوند است در زمین، و حتی این آیت نیز دلیل نمی‌شود که انسان خلیفه الله در زمین است، زیرا خداوند متعال فرموده است: « إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً » (من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت) و نفرمود: « إِنِّي جَاعِلٌ لِي فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً » (من در زمین خلیفه‌ای برای خودم خواهم گماشت).

۲- خلیفه بر کسی مطلق می‌شود که جای دیگری را پس از مرگش و یا به علت غیابش بگیرد، مثلاً می‌گوئیم ابوبکر رضی الله عنه خلیفه رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از وی شد، و یا می‌گوئیم هارون رضی الله عنه خلیفه و جانشین موسی علیه السلام در غیابش شد و آن هنگامی بود که موسی علیه السلام برای مناجات و دریافت تورات به کوه طور رفته بود ولی خداوند متعال حی لا یموت است و هیچ وقت غائب نیست و همیشه علیم و خبیر است، لذا معنایی ندارد که بگوئیم آدم علیه السلام جانشین و یا خلیفه خداوند لایزال است. (در این مورد غرض تکمیل بحث می‌توانید به سایت جامع فتاوی اهل سنت و جماعت مراجعه فرمائید)

اما در تحلیل نهائی درین مبحث بس مهم و اساسی که تعداد بیشمار مشاکل و فتنه ها در حل درست همین مسأله نیز نهفته است. مسلماً بحث بس طویل و عریض و دارای ابعاد و باریکی های بس مهم نیز است اما من ناگزیر به علت عوامل متعدد به صورت مختصر می نگارم:

مسلمانان و سایر جوامع بشری در جامعه و عالم اسباب به مدیر و تنظیم کننده امور نیز ضرورت دارند. بهترین طریق انتخاب خلیفه و منظم (به ضمه میم، فتحه نون و کسره ظ) امور مسلمان باید توسط ملت با خبر مسلمان به شخص و فرد مسلمان و آگاه مانند انتخاب حضرت ابوبکر که به نحوی از ترکیب نامزد کردن از جانب پیامبر اسلام و در حالت ما نخبگان مسلمان، و علماء و انتخاب ملت و امت مسلمان باشد، خواهد بود.

هرنوع تلاش برای تصاحب حاکمیت و خلافت مسلمانان با افراط و تفریط در حق علماء و عام ملت خلاف فرمول متذکره به جز به قتل و خونریزی و بغاوت به جای دیگری نخواهد رسید و نخواهد انجامید و فهم درست از شرع اسلامی به شناخت اصح نیست. والله اعلم بالصواب.

**تتبع ونگارش :**

**الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»**

**مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسوول مرکز کلتوری دحقوق لاره-جرمنی**